

## خلافت، عنصر گمشده



در شرایطی که تولید ساده‌ترین و کم‌تدارک‌ترین سریال‌های تلویزیونی هم دست‌کم نیاز به بودجه‌ای به اندازه چند فیلم سینمایی دارند، تله‌فیلم فضای خوبی برای به تصویر کشیدن ایده‌های مختلف است. ایده‌هایی که گاهی به دلیل تجربه‌گرایی یا ساختار جدید و امتحان‌نشده‌ای که دارند، با ریسک بالایی همراه هستند.

جام جم آنلاین: در شرایطی که تولید ساده‌ترین و کم‌تدارک‌ترین سریال‌های تلویزیونی هم دست‌کم نیاز به بودجه‌ای به اندازه چند فیلم سینمایی دارند، تله‌فیلم فضای خوبی برای به تصویر کشیدن ایده‌های مختلف است. ایده‌هایی که گاهی به دلیل تجربه‌گرایی یا ساختار جدید و امتحان‌نشده‌ای که دارند، با ریسک بالایی همراه هستند.

در چنین شرایطی تله‌فیلم، گونه محبوب، بیشتر فیلمسازان و تماشاگران محسوب می‌شود. از موقعیت‌هایی که برای پخش تله‌فیلم مناسب است، مناسبت‌هایی مثل اعیاد و سوگواری‌ها هستند. تله‌فیلم‌هایی که در اعیاد و شادی‌ها یا ایام عادی پخش می‌شوند، آزادی‌های بیشتری در نحوه بیان دارند. مثلا در یک فیلم کاملاً جدی و دراماتیک، ممکن است شخصیت‌های فرعی وجود داشته باشند که با موقعیت‌ها و دیالوگ‌های طنزآمیز حال و هوای داستان را عوض کنند.

اما در مورد تله‌فیلم‌هایی که برای مناسبت‌هایی مانند عزاداری ساخته می‌شوند، چارچوبی وجود دارد که فیلمساز باید آن را در نظر بگیرد. چنین تله‌فیلم‌هایی باید با حال و هوای جامعه و حس عموم مردم در ایام سوگواری مناسبت داشته باشند و ارزش‌های مذهبی را رعایت کنند. از سوی دیگر زیاده‌روی در بازتاب دادن حال و هوای سوگوارانه جامعه در مناسبت‌های مذهبی این خطر را به دنبال دارد که این گونه از تله‌فیلم‌ها عبوس و عاری از خلافت شوند. همین‌طور موضوعاتی مانند ایمان آوردن، شفا گرفتن، سلوک معنوی، تحول روحی بر اثر برخورد با نشانه‌های مذهبی و عرفانی، نذر و موضوعاتی از این دست، دستمایه اصلی این نوع تله‌فیلم‌ها هستند. خطر دیگری که متوجه این فیلم‌هاست، تکراری شدن سوژه است که باعث می‌شود بیننده از همان اول بتواند پایان ماجرا را حدس بزند. چون اغلب قصه‌هایی که داستان‌هایی با مضامین معناگرا را به تصویر می‌کشند طبق الگوهای مشخص پیش می‌روند. اما فیلمسازی که قراردادهای را تا حدودی بشکند و سعی کند که خلافت را در فیلم خود بگنجاند، کاری متفاوت انجام داده که ارزشمند و قابل بررسی است. مثلا یکی از تله‌فیلم‌هایی که در ایام عاشورا پخش شد، [#171&مقصد&raquo](#)؛ به کارگردانی اصغر نعیمی بود. [#171&مقصد&raquo](#)؛ داستان زن جوانی را بیان می‌کند که دچار بیماری سرطان شده است. همسر این زن با تمام وجود ایمان دارد که او شفا می‌گیرد و سلامتی‌اش را باز می‌یابد. اما [#171&مقصد&raquo](#)؛ برخلاف آن چه که از اول فیلم پیش‌بینی می‌شد، در طول داستان روندی متفاوت را پیش می‌گیرد. با مرگ زن در اواسط داستان، مرد در مورد اعتقادات و ایمانش دچار تردید می‌شود. در میان تله‌فیلم‌های مناسبتی این رویکرد خاص، باعث شده که [#171&مقصد&raquo](#)؛ فیلمی متفاوت به نظر برسد. [#171&مقصد&raquo](#)؛ از نظر تکنیک‌های فیلمسازی مثل شیوه کارگردانی و تصویربرداری فیلم موفق و قابل تحسینی است. بافت تصویری این فیلم مدیون تصویربرداری خوب امیر معقولی با نور طبیعی و میزانشن دقیق اصغر نعیمی است که با نگاهی سینمایی قاب‌بندی کرده و میزانشن چیده است.

یکی دیگر از تله‌فیلم‌های قابل تحسینی که در این ایام پخش شده، [#171&فرمانده&raquo](#)؛ به کارگردانی علی عطشانی است. عطشانی که به واسطه فیلم‌های سینمایی‌اش مانند [#171&دموکراسی تو روز روشن&raquo](#)؛ و [#171&پوست موز&raquo](#)؛ (که البته پخش ویدئویی شد) شناخته شده است، در تله‌فیلم [#171&فرمانده&raquo](#)؛ هم با تسلط و مهارت عمل کرده است. [#171&فرمانده&raquo](#)؛ در مورد یکی از فرمانده‌های جنگ است که بعد از سال‌ها می‌خواهد بدون این که حرفش را به کسی تحمیل کند، تفکر ارزشی و عقاید خیرخواهانه‌اش را وارد زندگی اطرافیانش کند. این فیلم ثابت می‌کند که عطشانی برعکس بسیاری از همکارانش، تله‌فیلم را دست‌کم نگرفته است. [#171&فرمانده&raquo](#)؛ مجموعه‌ای از دانسته‌ها و تکنیک‌هایی است که عطشانی در قالبی جدید آن را ارائه کرده است. نگاهی به دو تله‌فیلم [#171&مقصد&raquo](#)؛ و [#171&فرمانده&raquo](#)؛ نشان می‌دهد کارگردان‌هایی که عمده تجاربشان را در سینما کسب کرده‌اند، نگاه دقیق‌تر، حرفه‌ای‌تر و نکته‌سنج‌تری نسبت به بقیه دارند و کار کردن آنها در زمینه تله‌فیلم را می‌توان اتفاق خوبی تلقی کرد. البته این فرضیه همیشه نمی‌تواند درست باشد. برای مثال علیرضا امینی، کارگردانی که تجربه سینمایی موفق [#171&هفت دقیقه تا پاییز&raquo](#)؛ و فیلم تحسین‌شده [#171&استشهادی برای خدا&raquo](#)؛ را در کارنامه‌اش دارد، در تله‌فیلم [#171&ریسمان سبز&raquo](#)؛ نتوانسته انتظارات را برآورده کند و اثری کاملاً معمولی ارائه داده است. بزرگ‌ترین ضعف فیلم این است که مسیر داستان از اواسط فیلم تغییر می‌کند و به اصطلاح دوپاره می‌شود. [#171&ریسمان سبز&raquo](#)؛ به زندگی خانواده‌ای مسیحی می‌پردازد که به دینشان پایبند و معتقد هستند.

نکته: نگاهی به دو تله‌فیلم [#171&مقصد&raquo](#)؛ و [#171&فرمانده&raquo](#)؛ نشان می‌دهد کارگردان‌هایی که عمده تجاربشان را در سینما کسب کرده‌اند نگاه دقیق‌تر حرفه‌ای‌تر و نکته‌سنج‌تری نسبت به بقیه دارند در این میان دختر خانواده به خاطر خواب‌هایی که می‌بیند به سمت پیگیری حوادث و اتفاقات عاشورا رهنمون می‌شود. اما در اواسط فیلم، ماجرا به سوی اتفاقات کشیده می‌شود و در

آخر دختر مي فهمد که دختر خانواده‌اي است که در راه پيروي انقلاب شهيد شده‌اند. اين تغيير جهت با کمي اغماض قابل درک است اما بدون اغماض قابل درک نيست! نکته مثبتي که در اين تله‌فيلم به چشم مي‌خورد، شخصيت‌پردازي منطقي و عاري از دسته‌بندي است. يعني فيلم بازيگران را به 2 دسته خوب‌ها و بدها تقسيم نمي‌کند، دسته‌بندي سياه و سفيدي که معمولا تله‌فيلم‌ها و سريال‌هاي ما از آن مصون نمي‌مانند، اما شخصيت‌پردازي &#171;ريسمان سبز&#171; منطقي است و نگراني‌ها و در نتيجه عکس‌العمل شخصيت‌ها باورپذير است.

يکي ديگر از تله‌فيلم‌هايي که به گونه‌اي فرزند فيلم‌هاي سينمايي محسوب مي‌شوند، تله‌فيلم &#171;نجوا&#171; به کارگرداني حامد کلاهداري است. &#171;نجوا&#171; شروعي بسيار تأثيرگذار دارد که باعث مي‌شود در همان سکانس‌هاي اول، توجه مخاطب به فيلم جلب شود. اين تله‌فيلم تمی دلهره‌آور دارد و اگر دلهره‌اي که با ضرباهنگي تند و طي سکانس‌هاي پي‌درپي در همان اول به مخاطب انتقال داده مي‌شود، اينقدر زود جاي خود را به آرامش و حل شدن مساله و باز شدن گره داستان نمي‌داد، مي‌توانست حتي فيلم سينمايي خوبي هم باشد. اما چند دقيقه تأثيرگذار &#171;نجوا&#171; در همان ابتدای فيلم به سري مي‌گرايد و از مابقي فيلم داستاني يکنواخت و بي‌روح مي‌سازد. به نظر مي‌رسد مديوم تلوزيون با توجه به پيچيدگي کمترش و اين‌که نياز چنداني به تسلط تکنیکی ندارد براي کارگردان‌هاي تازه‌کاري مثل کلاهداري مناسب‌تر است و او در عرصه ساخت تله‌فيلم مي‌تواند موفق‌تر باشد تا پروژه‌هاي بلندپروازانه سينمايي.

یکنواختي داستان‌ها و روايت‌هايي که نقطه اوج ندارند و روي يك خط ممتد پيش مي‌روند يکي از اشکال‌هاي تکرار شونده تله‌فيلم‌هاي ايراني است. بخصوص در آثار مناسبتي که به الگوهاي مشخصي پايبندهستند اين اشکال بيشتري به چشم مي‌آيد. &#171;توکل&#171; و &#171;تفاخر&#171; به کارگرداني عباس خواجه‌وند از جمله تله‌فيلم‌هايي بودند که در ايام عاشورا پخش شد. هر دوي اين تله‌فيلم‌ها اين سوال را در ذهن مخاطب ايجاد مي‌کند که چه تفاوتی میان آنها و اپيزودهاي يك مجموعه عبرت‌آموز وجود دارد که باعث مي‌شود اينها به صورت مستقل و در قالب تله‌فيلم پخش شوند. &#171;توکل&#171; و &#171;تفاخر&#171; به سبک اپيزودهاي مجموعه‌هايي مثل &#171;کلید اسرار&#171; و &#171;شاید براي شما هم اتفاق بيفتد&#171; شخصيت‌هاي سياه و سفيدي دارند که هيچ کدامشان لحظه‌اي هم به خاکستري گرايش پيدا نمي‌کنند. سرنوشت هر کدام از شخصيت‌ها از همان ابتدا که معرفي مي‌شوند مشخص است و اين مساله مهم‌ترين ويژگي مجموعه‌هاي عبرت‌آموز است. شايد بهتر بود &#171;توکل&#171; و &#171;تفاخر&#171; در قالب 2 اپيزود اين مجموعه‌ها يا يك تله‌فيلم 2 اپيزودي نمايش داده شود.

با اين که مناسبيت پخش تله‌فيلم‌هاي اين ايام واقعه عظيم عاشورا بود، اما کمتر تله‌فيلمي ارتباط مستقيمي با عاشورا و پيامدهاي آن داشت. در بخشي از داستان بعضي از تله‌فيلم‌ها نقاط اتصالي میان سوگواري و داستان فيلم ايجاد شده بود اما اين موقعيت نيز در اغلب موارد در حاشيه قرار داشت. شايد مرتبط‌ترين روايت‌هاي عاشورايي 2 تله‌فيلم &#171;روشنی صبحدم&#171; و &#171;سايه برخورداريد&#171; باشند که آنها هم به روايت داستان شخصيت‌هاي فرعي اين اتفاق مي‌پردازند. يکي از آنها داستان حنظله و ديگري داستان خزيمه را در محور فيلم قرار داده‌اند و حال و هواي آن دوره تاريخي را از زاويه ديد آنها روايت مي‌کنند. اين شيوه روايت کمک مي‌کند که بدون تمرکز روي اصل واقعه (که ابعاد عظيم آن به زحمت در قالب تصوير مي‌گنجد) به پيامدهاي ماجراجوي عاشورا و تأثير آن روي جامعه آن روزگار پرداخته شود.

شايد تأکيد روي خلاقيت در روايت و استفاده از قالب‌ها و سبک‌هاي جديد، اين تصور را ايجاد کند که کيفيت نهايي يك تله‌فيلم بيش از هر چيز وابسته به داستان نو و غافلگيرکننده آن است اما نکته اصلي اينجاست که حتي يك داستان تکراري که بارها با لحن‌ها و شيوه‌هاي مختلف روايت شده، در بستر يك مناسبيت مذهبي و با رعايت مقتضيات ايام سوگواري، مي‌تواند با پرداختي خلاقانه و فکري به يك اثر قابل تأمل و جذاب تبديل شود.

شروينه شجري کهن / جام جم